گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهید سیدحسن شاهچراغی از شهدای همراه شهید محلاتی در واقعه اول اسفند ۱۳۶۴

فرزند زمانه خود و حاضر در صحنه‌های انقلاب بود

■ صغری خیل‌فرهنگ

شهید سیدحسن شاهچراغی در خانواده علم، دیانت و روحانیت متولد شد. او علاقه وافری به حضرت امام خمینی(ره)، اسلام و روحانیت داشت و نقش بسیار ارزنده‌ای در پیروزی انقلاب ایفا کرد. در آن دوران که شهر دامغان اوضاع به‌هم ریخته‌ای داشت فعالانه برای سامان دادن آن کوشید و با جسارت تمام، در برابر انحرافات و افکار افراد ناآگاه ایستاد. شهید شاهچراغی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مشاوران و مسئول دفتر شهید آیت‌الله قدوسی در دادستانی انقلاب به فعالیت پرداخت و سپس از سوی مردم دامغان به نمایندگی مجلس برگزیده شد. شهید شاهچراغی در بسیاری از مقاطع و در قالب کاروان‌های سیاسی به نقاط مختلف آسیا، آفریقا، اروپا و امریکا سفر کرد. آخرین سفر ایشان به‌همراه رهبری معظم انقلاب اسلامی به کشور نیجریه بود. در آذر ۱۳۶۱ مسئولیت مؤسسه کیهان را پذیرفت و سرانجام در اولین روز اسفند ۱۳۶۴ بر اثر اصابت موشک رژیم بعثی به هواپیمای حامل شهید محلاتی و شماری از مسئولان که شاهچراغی هم بین آنها بود، به فیض شهادت نائل آمد. امام خامنه‌ای در آبان سال ۱۳۸۵ در سفر به استان سمنان، سخنانی در مورد ایشان بیان داشتند و فرمودند: «در بین شهدای نام‌آور جمهوری اسلامی ایران شهید شاهچراغی که نه فقط متعلق به مردم دامغان بلکه متعلق به ملت ایران است یکی از پرچم‌های افتخار این مردم عزیز است.» شهید سیدحسن شاهچراغی فرزند روحانی متعهد و عالم عامل، سیدمسیح شاهچراغی است که نسب شریفش از سلاله حضرت امام همام موسی کاظم(ع) است. با همسرش سیدفاطمه شاهچراغی همکلام شدیم تا از سیره و منش این شهید برای‌مان روایت کند.

■ **چشم و چراغ خانه**

سیدحسن در ۹ بهمن ۱۳۳۱ در یکی از محله‌های قدیمی شهر دامغان (خوریا) در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. ایشان فرزند ارشد خانواده بود. وضع مادی پدرش چندان روبه‌راه نبود و از راه تدریس و کار در مدرسه علوم دینی شهر روزگارش را می‌گذراند و سیدحسن هیچ‌گاه از زندگی مرفه‌ای برخوردار نبود.

سیدحسن در سایه مادری پرورش یافت که متدین، بی‌آلایش، علاقه‌مند به اسلام و قرآن و اهل بیت(ع) و روحانیت بود. شهید در جمع خانواده و در بین خواهر و برادرانش موقعیت خاصی داشت. او چشم و چراغ خانه بود. محیط خانواده با حضورش گرم و شاداب می‌شد.

همسرم تحصیلات ابتدایی را در مدرسه هاتف (شهید عالمی فعلی) گذراند و به مدت دو سال نیز در کنار پدر بزرگوارشان در حوزه علمیه دامغان به فراگیری علوم دینی پرداخت. نسب پدربزرگ سیدحسن با ۳۷ واسطه به حضرت احمد بن موسی‌الکاظم(ع) که در شیراز مدفون است می‌رسد.

از همان کودکی خصوصاً سال‌های ابتدایی به‌خوبی معلوم شده بود که سیدحسن از استعداد و نبوغ خاصی که در حقیقت لطف و عنایت خداوندی بود برخوردار است. البته این خصلت به‌همراه عشق و علاقه وافر او به دانش، پاکی، طهارت روح و تقوای الهی عامل اصلی رشد سریع و موقعیت فوق‌العاده‌اش بود.

■ **سنگر مبارزات انقلابی**

او در کنار درس و بحث، کتاب و کلاس، فرزند زمان خویش بود. او نیاز زمان را به‌خوبی می‌شناخت. درس و بحث و تحقیق هرگز نتوانست مانع حضور او در صحنه‌های مبارزه شود. او بسیاری از مطالعات خود را در سنگر مبارزات انجام می‌داد. در سال‌های مبارزه، بارها و بارها تحت تعقیب و آزار قرار گرفت.

ایشان علاقه وافری به حضرت امام خمینی(ره)، اسلام و روحانیت داشت. تأثیر هدایتی، تربیتی و علمی که از اندیشه عالمانی چون شهیدان والامقام بهشتی و قدوسی(ره) در زندگی و شخصیت وجودی‌اش پذیرفته بود، از او طلبه‌ای باکفایت و انسانی برجسته ساخته بود.

او نقش بسیار ارزنده‌ای در راه رسیدن این انقلاب به هدف و پیروزی آن داشت. در آن دوران که شهر اوضاع به‌هم ریخته‌ای داشت فعالانه برای سامان دادن آن کوشید و با جسارت تمام، جلوی انحرافات و افکار افراد ناآگاه ایستاد. ایشان در جریان حمله پهلوی به فیضیه ایستادگی کرد، تا سرانجام مجروح و در بیمارستان بستری شد. سیدحسن در تمام حرکت‌ها با سخنرانی‌های پرشور، همیشه پیشگام نهضت بود.

■ **همسفر آقا در نیجریه**

شهید شاهچراغی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم بازگشت تا در سنگر علم و دانش بر اندوخته‌های علمی‌اش بیفزاید. بسیاری از استادان حوزه علمیه قم نظیر شهید بهشتی، شهید قدوسی و شهید مطهری به دیده احترام به او می‌نگریستند و او را مؤثر، ارزشمند، بالیاقت، بااعتماد، مستعد، فرهیخته، مبارز و مخلص می‌دانستند. به عنوان یکی از مشاوران و مسئول دفتر شهید آیت‌الله قدوسی در دادستانی انقلاب به فعالیت پرداخت و سپس از سوی مردم دامغان به نمایندگی مجلس برگزیده شد اما او کماکان خود را طلبه‌ای می‌دانست که باید خدمتگزار مردم باشد. مدتی بعد با حکم دادستانی کشور مسئول سیاهه‌برداری از جواهرات و زیورآلات سلطنتی شد. تقوا، ایمان، پاکی و رادمردی او ستودنی بود. او امین مردم و مورد اعتماد همه بود. شهید شاهچراغی در بسیاری از مقاطع و در قالب کاروان‌های سیاسی و... به نقاط مختلف آسیا، آفریقا، اروپا و امریکا سفر کرد. هند، پاکستان، ژاپن، چین، بنگلادش، اندونزی، تایلند، سنگاپور، هنگ‌کنگ، سوریه، لبنان، بحرین، امارات، قطر، یمن، آلمان، انگلستان، سنگال، مالی، ساحل‌عاج، جیبوتی و... از جمله کشورهایی هستند که برای پیاده کردن اهداف جمهوری اسلامی میزبان شهید بودند. آخرین سفر ایشان به‌همراه رهبر معظم انقلاب به کشور نیجریه بود.

■ **۲۳ خرداد ۵۶**

من و سیدحسن هم دخترعمو و پسرعمو بودیم و هم دخترخاله و پسرخاله. به یاد دارم اولین بار پس از طرح و جواب موضوع ازدواج، ایشان تازه از قم آمده بود. تا قبل از مقدمات عقد و زمان آن من خود را پنهان می‌کردم و خجالت می‌کشیدم جلوی‌شان ظاهر شوم. در نهایت طی مراسمی ساده روز ۲۳ خرداد ۱۳۵۶ ازدواج کردیم.

■ **مسئول مؤسسه کیهان**

ایشان در آذرماه سال ۱۳۶۱ مسئولیت مؤسسه کیهان را پذیرفت. بعد از ازدواج‌مان با آن که آن روزهای اول حال و هوای انقلاب و تظاهرات مردمی در جریان بود و ایشان سخت گرفتار بود من توقع زیادی نداشتم اما اگر چیزی می‌خواستم ایشان هیچ وقت تقاضای مرا رد نمی‌کرد. با افرادی که هم‌فکر و هم‌عقیده‌شان بودند نشست و برخاست داشت. در بعضی مواقع با افرادی می‌نشست که زیاد با انقلاب میانه خوبی نداشتند اما با آنان طوری برخورد و رفتار می‌کرد که از افکار غلط‌شان دست بردارند و به راه راست قدم بگذارند. شعارشان بیشتر این بود؛ «دوست‌گرفتن مهم نیست دوست نگه‌داشتن مهم‌تر است!» ایشان در خانه مهربان، منظم و با سعه صدر بود. هرگز نظراتش را تحمیل نمی‌کرد.

شهید شاهچراغی نفر سمت چپ تصویر در سفر حضرت آقا به کشور نیجریه

> آنجا که پای مصالح اسلام و انقلاب در میان بود جسورانه موضع می‌گرفت و فریاد می‌زد و هرگز بازگویی حقیقت را فدای مصالح و منافع شخصی‌اش نمی‌کرد. او از همان دوران طفولیت در مراسم عزاداری آقا امام حسین(ع) حضور فعال داشت و یکی از خادمان اباعبدالله(ع) بود

■ **سیدمهدی و سیدمسیح**

با الطاف خداوندی ما صاحب اولین فرزندمان سیدمهدی شدیم. شهید در زندگی بیشتر برای تربیت فرزندمان وقت می‌گذاشت. آرزو داشت در آینده فرزندانش در حوزه علمیه درس بخوانند. وقتی فرزند دوم ما به دنیا آمد سیدحسن در تهران به دیدار امام(ره) رفته بود. در بازگشت به منزل یکی از دوستانش رفته بود که از سمنان به ایشان خبر دادند خداوند متعال به شما فرزند دیگری را عنایت نموده است. خود شهید برایم نقل کرد: «وقتی در راه می‌آمدم در این فکر بودم که نام پسرمان را چه بگذارم که هم خداوند متعال راضی باشد و هم شما.» ایشان به دامغان که رسید در جمع خانواده مثل همیشه با صفای باطن و خندان بعد از تبریک شروع به صحبت در مورد فرزند کرد. در حالی که کودک را در بغل داشت مادر بزرگوار ایشان رو به سیدحسن کرد و گفت: «حال بگو بدانیم که نام فرزندت را چه می‌خواهی بگذاری؟» ایشان خنده‌ای کرد و گفت: «هرکس بگوید چه نامی را برایش انتخاب کردم جایزه می‌گیرد!» اهل منزل هر کسی اسمی را گفتند و هیچ کدام نام مورد نظر او نبود تا نوبت به مادربزرگ‌شان (ننه‌جان) رسید و او تبسمی کرد و گفت: «صلوات! نامش را مسیح انتخاب کرده‌ای.» سیدحسن از جایش برخاست و بر دستان مادربزرگ بوسه زد و جایزه‌ای را هم تقدیم ایشان کرد. او همیشه می‌گفت: «چشمان مسیح مانند دریای آبی آرام است!» سیدمسیح روز اول فروردین ۶۴ متولد شده بود. با پایان یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی باز هم مبارزه برای سیدحسن تمامی نداشت؛ با وجود سیل تلفن‌ها و اصرار دوستان و مسئولان مملکتی مبنی بر حضور مجدد ایشان در مجلس شورای اسلامی، ایشان اول موافق نبود ولی به ناچار پذیرفت و دوباره ثبت‌نام کرد.

■ **غسل شهادت و بغض گلوگیر**

شب قبل از اینکه سیدحسن به مأموریت و بازدید از مناطق جنگی فاو و دیدار رزمندگان عملیات والفجر ۸ برود، به من گفت: «فاطمه! لباس‌های تمیز و نوی مرا حاضر کن. می‌خواهم غسل شهادت کنم!» چیزی در درون من لرزید و احساس غریبی همانند یک بغض در گلویم نشست. گفتم: «آخر چرا؟ شما همیشه به سفر می‌رفتید.» گفت: «بلند شو و نگران نباش!» ایشان به حمام رفت و گفت: «شاهد باش که من می‌خواهم غسل شهادت کنم!» زمان رفتن سیدحسن به من مبلغی پول داد و گفت: «احتیاج می‌شود.» گفتم: «مگر نگفتی که زود می‌آیی؟» گفت: «حالا این را بگیر!» مهدی را در آغوش کشید و گفت: «مهدی! پسرم! مواظب مادرت باش! او را اذیت نکن.» طبق معمول همه اعضای خانواده جلوی در حیاط برای خداحافظی و بدرقه حاضر شدند. بعد خداحافظی کرد و رفت.

■ **صبر زینبی**

فردا هنگام غروب آفتاب، خیلی‌ها با تلفن منزل تماس و سراغ سیدحسن را می‌گرفتند. من با خودم فکر کردم امشب چه خبر است که همه احوال سیدحسن را می‌پرسند! در آخرین تماس آقای شیخ حسن واحدی که از دوستان صمیمی شهید شاهچراغی است گفت: «حاضر شوید تا به منزل آقای داودالموسوی برویم.» چون مهدی و مسیح مریض بودند من قبول نکردم. بعد به آقای بهزادی در کیهان زنگ زدم و گفتم: «چه خبر از سیدحسن؟!» گفت: «هواپیمایی که آقای محلاتی و سیدحسن با آن در پرواز بودند سقوط کرده و آن‌ها مجروح شده‌اند.» گفتم: «هر اتفاقی افتاده است بگویید.» گفت: «فقط مجروح شده‌اند.» آخر شب برادرم از دماوند تماس گرفت و گفت: «هواپیمایی سقوط کرده و نمی‌دانم که چه شده است. با شنیدن این حرف‌ها متوجه شدم که حتماً خبری است. بعد از مدتی برادرم از دماوند خود را به تهران رساند و خبر شهادت سیدحسن را به من داد که در اولین روز اسفند ۱۳۶۴ در پی اصابت موشک رژیم بعثی به هواپیمای حامل ایشان به‌همراه ۴۰ نفر از همراهان خود به شهادت رسیده است. برادرم به من گفت: «باید صبر داشته باشی! مگر خودت از صبر فلان خانواده شهید در دامغان برای‌مان نمی‌گفتی؟» من هم از آن روز به بعد سعی کرده‌ام که صبر داشته باشم.

> شهید شاهچراغی در کنار درس و بحث و کتاب و کلاس، فرزند زمان خویش بود. او نیاز زمان را به‌خوبی می‌شناخت. درس و بحث و تحقیق هرگز نتوانست مانع حضورش در صحنه‌های مبارزه شود. او بسیاری از مطالعات خود را در سنگر مبارزات انجام می‌داد

■ **پرچم افتخار ملت ایران**

شهید شاهچراغی بی‌تردید از امیدهای نه‌تنها استان سمنان بلکه انقلاب اسلامی ایران بود. امام خامنه‌ای در آبان ۱۳۸۵ در سفر به استان سمنان، طی سخنان مهمی در مورد ایشان بیان داشتند: «در بین شهدای نام‌آور جمهوری اسلامی ایران شهید شاهچراغی که نه فقط متعلق به مردم دامغان بلکه متعلق به ملت ایران است یکی از پرچم‌های افتخار این مردم عزیز است.» هر چند سخن گفتن پیرامون هر شهیدی به‌ویژه شهدایی مانند شهید شاهچراغی که هم شهید حوزه قلم و اندیشه بود و هم شهید عرصه سیاست و انقلاب، ساده نیست و حق آنها را به سادگی نمی‌توان ادا کرد.

آنچه از سخنان و کردار آن بزرگوار و خاطرات دوستان وی به جای مانده است، اگر جمع‌آوری شود فصلی باارزش و مبسوط در معرفی آن شهید خواهد بود. رفتار وی نمونه عالی رفتار انسانی، متواضعانه و فروتنانه بود. ایشان به انقلاب، مردم و امام(ره) عشق می‌ورزید و از چهره‌های صادق و بی‌ریای انقلاب بود. شهید شاهچراغی از اخلاق حسنه و عالی برخوردار بود. واقعاً متخلق به اخلاق‌الله شد و شاید هم رمز موفقیت ایشان از جهت محبوبیت اجتماعی حسن خلق ایشان بود. سیدحسن با برخورد نیک، افراد جاهل و منحرف را به آغوش حقانیت اسلام ناب محمدی و انقلاب رهنمون می‌شد. از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شهید شاهچراغی تواضع و مردم‌داری بود و با آن شیوه امام‌گونه همیشه از حمایت‌های مردمی برخوردار بود. نحوه زندگی ایشان چه در زمان طلبگی و چه در زمان نمایندگی مردم خوب دامغان هیچ تفاوتی با هم نداشت.

او به‌عنوان عضو برجسته کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی نقش شایان توجهی را ایفا نمود و در تجزیه و تحلیل مسائل جاری زمان همیشه در حرکت بود و مسافرت‌های متعدد به کشورهای آفریقا و آسیا و اروپا و امریکا داشت. آنجا که پای مصالح اسلام و انقلاب در میان بود جسورانه موضع می‌گرفت و فریاد می‌زد و هرگز بازگویی حقیقت را فدای مصالح و منافع شخصی‌اش نمی‌کرد. او از همان دوران طفولیت در مراسم عزاداری آقا امام حسین(ع) حضور فعال داشت و یکی از خادمان اباعبدالله(ع) بود. عشق به امام حسین(ع) وجودش را پر کرده بود. او از همان دوران نوجوانی کمک‌حال و به قول امروزی‌ها کمک‌خرج پدر و مادرش بود.

وصیتنامه شهید

اینجانب سیدحسن فرزند سیدمسیح شاهچراغی با آرزوی شهادت برای خویش و پیروزی برای اسلام و انقلاب اسلامی بنابر وظیفه اسلامی وصیتنامه خود را به اختصار می‌نگارم. خداوندا! از تو می‌خواهم شهادت را نصیبم کنی تا شاید در خیل پربرکت شهیدان و صفای روح آنان عفو بهره‌ام گردد و یا از بدرقه خالصانه هزاران مسلمانی که در تشییع شهیدان مشارکت می‌کنند و آثار پربرکتی که این خون‌ها دارد ذره‌ای هم هدیه من باشد و موجب نجات این روح آلوده و این جان وابسته گردد. پروردگارا! مرا و خاندانم و دوستانم را با شهادت من سرافراز فرما! شادمانم که از اموال دنیا چیز فراوانی ندارم. دوست دارم فرزندانم برای اسلام تربیت شوند و در صورت امکان در حوزه علمیه درس بخوانند تا شاید خلف صالح، عاملی برای نجات من از این همه گناهان دست‌وپاگیر باشند و خدمتگزارانی پاک و فداکار برای اسلام و انقلاب. از برادران و خواهران و پدر و مادر و همسر وفادار و مؤمن خود می‌خواهم که مرا حلال نمایند و از کوتاهی‌هایم بگذرند و هیچ‌گاه از دعای خیرشان بی‌نصیبم ننمایند. امروز که این سطور را می‌نویسم در دل خویش نسبت به هیچ کس و هیچ گروهی جز ملحدان و منافقان آدم‌کش و دشمنان اسلام احساس رقابت و حسادت و ناراحتی نمی‌کنم و اگر حقی به کسی داشته‌ام از آن می‌گذرم، باشد که آنان نیز برای خدا از حقوق‌شان نسبت به من بگذرند و دعای‌شان را همیشه برای من بفرستند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۳۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲						■						■			
۳					■						■				
۴		■								■					
۵			■				■		■					■	
۶	■			■				■					■		
۷						■						■			
۸					■						■				
۹				■						■					
۱۰			■					■				■			■
۱۱		■					■		■				■		
۱۲						■								■	
۱۳					■						■				
۱۴				■						■					
۱۵															

از راست به چپ

■ ۱- کنایه از مردن به مرگ طبیعی است ■ ۲- پیامبری که وی را مخترع لباس و قلم می‌دانند- جزیره‌ای در جنوب- از نزولات جوی ■ ۳- اختراع ادیسون- ببر انگلیسی- سالک ■ ۴- می گویند از دور خوش است- از گل‌های آپارتمانی ■ ۵- راه نافرجام- قلمه درخت- پایدار ■ ۶- بخار دهان- پارچه یمانی- شهری در شمال شرقی ایران- عنصر شیمیایی ■ ۷- مهار- نقاش فرانسوی تابلوی ناهار قایقرانان- پایدار ساختن ■ ۸- خرگوش- فرمانی نظامی- ایستاده و بی حرکت ■ ۹- بیماری مسری خطرناک- شهر زادگاه حضرت ولی عصر(عج)- از شهرهای سیستان و بلوچستان ■ ۱۰- علامت جمع- همراه شاید- جاده قطار- تصدیق فرنگی ■ ۱۱- شاخه باریک و دراز- عزیزتر از فرزند- کلاه فرنگی ■ ۱۲- وزیر فرعون- مرد مسن و قابل احترام ■ ۱۳- هفتمین پادشاه ساسانی- در لطافت طبعش شکی نیست- جودوی چینی‌ها ■ ۱۴- سائل- نوعی قایق مسابقه‌ای- واجب کردن ■ ۱۵- احساس ضعف کردن

از بالا به پایین

■ ۱- فرمانده- ضحاک را سرنگون کرد ■ ۲- جامه بلند- قطعه مهم در وسایل صوتی و تصویری- زبان مردم پاکستان ■ ۳- برودت- قله آتشفشانی ایتالیا- اشکش معروف است ■ ۴- فنی در جودو- ترشی انار- کلمه تعلیل به معنای زیرا ■ ۵- مفلوج- تخم ماهی- مقیم- کوچک ■ ۶- لقب شاهان روس- اساس و رکن- آهنگساز آلمانی ■ ۷- شهرها- اصطلاحی در فرهنگ موسیقی- از نخست‌وزیران هند ■ ۸- صداهای درهم و برهم- واحد شمارش شتر- عذر و بهانه ■ ۹- موتور معروف جست‌وجوگر- رادار زیردریایی- شکر کننده ■ ۱۰- هست آذری- پایتخت چک- برنده نوبل ادبیات در سال ۱۹۴۴ میلادی ■ ۱۱- رنگ نشده- گرانبها- لاف توخالی- مهریه حضرت زهرا(س) ■ ۱۲- فیلم مسعود کیمیایی- درخت انگور- ماده ازلی در فلسفه ■ ۱۳- رمانی اثر دافنه دوموریه- تیرانداز- جهنم ■ ۱۴- راه فرار- تجمیع، جمع‌شده در یک ظرف- گوسفند نر ■ ۱۵- مثل پیش‌بینی شر کردن- آمر بمباران اتمی ژاپن

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌در‌سه فقط یک‌بار به کار روند.

				۹	۸			
			۱			۹	۴	۲
	۱		۵					
			۶	۴				
۳						۴	۵	۷
	۹	۵				۱		
			۸		۳			
۲	۴						۷	
						۵		۱

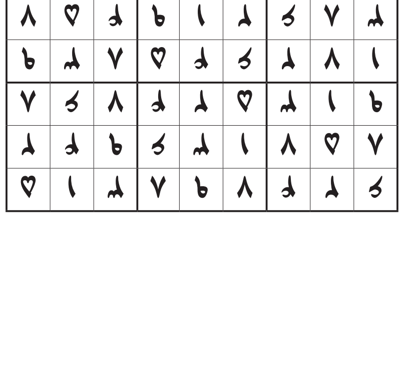

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۴۳۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	و	ج	ی	ه	■	ب	ی	ر	ا	ن	و	ن	د	■
۲	ن	ا	م	ه	■	ش	و	ر	ا	■	ن	ی	ا	س	ا
۳	د	■	ج	و	■	ع	ر	ا	د	ه	■	م	ر	ی	م
۴	ر	ا	م	■	پ	ر	س	■	ی	ن	ه	■	س	س	ت
۵	س	ر	ه	م	ی	■	ی	ل	و	■	ی	ا	■	ه	د
۶	ت	ت	■	ن	ا	پ	ا	ل	م	■	ر	د	ن	■	ا
۷	ی	م	■	■	ز	و	■	ه	■	ت	ی	ر	د	ا	د
۸	■	ی	ا	م	■	ی	د	■	پ	ا	■	س	ا	س	■
۹	ی	ا	د	م	ا	ن	■	م	■	ه	د	■	■	ت	ف
۱۰	ل	■	ر	ک	ب	■	ج	ا	ه	ل	ی	ت	■	ر	ا
۱۱	ن	ا	■	ن	و	■	س	ت	ی	■	م	و	ر	ی	س
۱۲	ج	ت	م	■	ا	ز	ت	■	س	د	ی	■	و	ل	ت
۱۳	و	ا	ج	ب	■	ل	و	س	ت	ر	■	ر	ب	■	و
۱۴	ج	و	ل	ا	ن	■	ج	ه	ر	م	■	ه	ی	و	ن
۱۵	■	ا	ل	ب	ا	ل	و	ی	ی	■	ب	ا	ک	ر	ی